

نقش شیعیان فاطمی در جنگ های صلیبی

دکتر عبدالله ناصری طاهری
(عضو هیات علمی کتابخانه ملی)

فصلنامه تاریخ اسلام - شماره 5 - بهار 80

جنگ های صلیبی آن بخش از تاریخ اسلام و مسیحیت است که بیشتر از منظر غربی ها تحلیل شده و اروپاییان پیش و بیش از مسلمانان به بررسی و پژوهش در مورد آن پرداخته اند. مسلمانان خصوصا نخبگان آن ها در قرون پنجم و ششم هجری، به جنگ های صلیبی، به عنوان يك حادثه درجه دوم نگاه کرده اند. این دیدگاه علاوه بر فرعی دانستن جنگ های صلیبی، در مدرسه تاریخ نگاری اسلامی هم اثر گذاشت و این تأثیر، در نادیده گرفتن نقش تاریخی اسماعیلیان متجلی شد، به طوری که مقاومت و پایداری فاطمیان مصر در مقابل صلیبی ها مورد غفلت قرار گرفت و حتی آن دولت به عنوان دعوت کننده صلیبی ها به مشرق زمین معرفی شد. این مقاله بر آن است تا با بهره برداری از متون و منابع تاریخی، نقش واقعی شیعیان فاطمی در جنگ های صلیبی را تبیین نماید.

واژه های کلیدی: اسماعیلیه، فاطمیان، جنگ های صلیبی، مسیحیت، بیت المقدس.

پیش گفتار

اختلافات سیاسی بعد از درگذشت پیامبر(ص)، خود موضوع اساسی منازعات فکری و کلامی در قرون بعدی شد. هم چنین آشنایی مسلمانان قرون نخستین با اندیشه ها و آیین های تازه، سوالات جدیدی را در اذهان شکل داد، به گونه ای که بخشی از افراد جامعه نسبت به بعضی از بنیان های اسلام شبهه نموده و جز گروهی از مردم که به دور از هر گونه منازعه فکری و سیاسی، روح معنویت را در خود تقویت کرده و در مسیر بزرگداشت ((تصوف)) دل خوش کردند، عموم مسلمانان با روی آوردن به دو حوزه فکری کلام و فقه سیاسی به اختلافات سیاسی دامن زده و آن را تشدید نمودند. اکثریت جامعه اسلامی با الهام از ماجرای ((سقیفه)) و وجوب ((اجتهاد)) در مقابل ((نص))، هر نوع حاکمیت اجتماعی را تأیید کردند. اقلیت جامعه نیز با رد این نظر و در پرتو نصوص دینی و بنوی، اعتقاد به امامت را پذیرفت. از اواسط قرن پنجم که این دیدگاه و نظریه ها در قالب کتب و رسائل تدوین و دست به دست شد و در کنار دو خلافت مدعی در بغداد و قاهره، دو دولت مقتدر سلجوقی و اسماعیلی با ((درفش و دینار)) و ((برهان و برداشت)) به ترویج و تحکیم این نظریه ها همت گماشتند، بر گسترش بحران های داخلی افزوده شد و حکومت های توجیه گر دو نظریه، دغدغه بقای خویش را بیش از پیش نمایان کردند، به حدی که در هجوم گسترده صلیبی ها به سرزمین های شرقی جهان اسلام، مروجان نظریه نخست، دولت های طرفدار دومین دیدگاه را بیش از صلیبی ها دشمن داشتند. از سوی دیگر، اسماعیلیان - اعم از مستعلویان و نزاریان - که شاخص ترین بخش گروه دوم بودند، با تکیه بر فلسفه انسان شناسی و جهان شناسی خود، کتاب ((اندیشه سیاسی)) را حکیمانه به رشته تحریر در آورده و با اثرگذاری جدی بر فکر و اندیشه مردم، جغرافیای سیاسی - اجتماعی را بر هم زدند. اینان به علت وجود دوره يك صد و پنجاه ساله نخستین که در ادبیات اسماعیلی از آن به ((دوره ستر)) و در ادبیات استشراف به ((دوره کمون)) تعبیر شده و آمیختگی واقعیت تاریخی با اسطوره، افسانه و حدس از مشخصات آن است، بیشتر از سایر فرقه ها محل مناقشه واقع شده اند.

ضمن این که ابتکار عمل بخشی از جامعه اسماعیلی - نزاریان - در مقابله با مخالفان فکری و سیاسی خود به وسیله ترور باعث شد تا نگاه خصمانه اکثریت جامعه اسلامی به آنان تقویت شود، به حدی که نقش تاریخی این فرقه در جغرافیای اسلام، از جمله نقش آن ها در جنگ های صلیبی، به شایستگی دیده نشود.

شرق شناسان نیز این واقعیت تاریخی را کتمان کردند؛ زیرا خود در طول ((جنگ های صلیبی)) با ترور پادشاه صلیبی بیت المقدس و فرزند حاکم صلیبی انطاکیه و... به دست اسماعیلیان، از این حربه آسیب دیدند. ضمن این که اساس فعالیت های خاورشناسی و اسلام شناسی آنان با عبور از منابع اهل سنت شکل گرفته بود و ارائه تصویر خشن از نزاریان به عنوان جر یان ملحد و بی دین و شاخ و برگ دادن به عقاید و خیال پردازی درباره هویت تاریخی آنان، نگرش تاریخی ایشان را بیشتر مغشوش کرد. در این میان، اسماعیلیان مستعلوی یا فاطمیان به عنوان يك نیروی قدرتمند سیاسی در مصر و بخش هایی از شام، بر اساس اندیشه دینی خود با صلیبیون جنگیدند و تا زمان انقراض دولتشان با این دشمنان اصلی مسلمین مصالحه و مسامحه نکردند.

فاطمیان و جنگ صلیب

در اواخر قرن پنجم هجری با توجه به توسعه طلبی سلجوقیان، سلطه فاطمیان در شام رو به سستی گرایید و جز مناطق محدودی از ساحل مدیترانه در جنوب شام در اختیار آن ها نماند. (1) سلجوقیان نیز همانند فاطمیان قصد داشتند حوزه فرمانروایی رقیب را شهر به شهر تسخیر کنند. اتسوزبن اوق(2) که فلسطین و سپس دمشق را تصرف کرده بود، در سال 470ه' / 1077م. قصد مصر کرد، اما بدر الجمالی وزیر مقتدر فاطمی او را شکست داد. (3) پس از مرگ ملکشاه سلجوقی، اکثر مناطق شام تحت نفوذ تنش فرزند الب ارسلان قرار داشت و او نیز فلسطین را به ((ارتق)) سپرد. در زمان درگیری صلیبیان در آسیای صغیر و شمال شام، فاطمیان از فرصت درگیری سلجوقیان با صلیبی ها استفاده کرده و فلسطین را از بنوارتق باز پس گرفتند. (4) از این پس که مقارن نفوذ صلیبی ها به مناطق مرکزی و جنوبی شام است، نقش اسماعیلیان فاطمی در جنگ صلیب آشکار می شود.

نخستین اتهام

از اتهامات تاریخی علیه فاطمیان، یکی همکاری افضل بن بدر جمالی وزیر دولت فاطمی با مهاجمان صلیبی علیه سلجوقیان است که توسط تاریخ نگاران اهل سنت و مورخان صلیبی بر کتاب تاریخ افزوده شده است. در میان تاریخ نگاران سنی مذهب ضد اسماعیلی می توان از ازدی، (5) نویری، (6) ابن خلدون، (7) سیوطی، (8) ابن تغری بردی، (9) و ابن اثیر نام برد. این اثر که

دیگران در این برداشت وام دار او هستند، این نظر را با تردید و با عبارت ((الله اعلم)) بیان کرده و درباره فاطمیان می نویسد: ((... و ارسلاوا الی الفرنج یدعونهم الی الخروج الی الشام لیمکوه و یکنوا بینهم و بین المسلمین، و الله اعلم)). (10) از صلیبی ها نیز ریموند آگیل (11) و ویلیام صوری (12) بر حضور سفیران مصری نزد صلیبی ها در انطاکیه تأکید دارند و تاریخ نگاران معاصر نیز با برداشت از این دو منبع بر وجود پیمان همکاری و دوستی فاطمیان و صلیبی ها پای فشرده اند. رنه گروسه می گوید: ((فاطمیان مصر که نمی توانستند تصرف فلسطین توسط ترکان را نادیده بگیرند، هنگامی که از نبرد میان فرنگیان با ترک ها در انطاکیه آگاه شدند فرصت را برای پس گرفتن استان فلسطین مغتنم شمردند. البته این اقدام خیانتی به اسلام بود، اما در آن زمان مقام وزارت اعظم توسط یک ارمنی مسلمان شده اشغال شده بود که بدیختانه ایمان اسلامی بسیار ملایمی داشت. این وزیر از دین برگشته که متوجه شوق و ذوق صلیبیون برای گرفتن اورشلیم نبود، سفیری نزد فرنگی ها به انطاکیه فرستاد و پیشنهاد کرد برای تقسیم متصرفات ترک ها در سوریه و فلسطین پیمانی نظامی منعقد شود؛ به این ترتیب که انطاکیه و سوریه به فرنگیان و فلسطین و اورشلیم به مصر تعلق گیرد.

صلیبیون از رد این پیشنهاد خودداری کردند. با آن که هدف اصلی آن ها اورشلیم بود، از سفیر پذیرایی شایانی شد و دولت مصر را به شدت برای این کار تشویق کردند. هدف اصلی آنان تقسیم نیروهای اسلامی بود و تا زمانی که انطاکیه به تصرف درنیامده بود، روحیه ترک ها را با یادآوری حمله مصریان به فلسطین تضعیف می کردند. سرفرمانده صلیبیون، بسیار مودبانه، سیصد سر بریده ترک هایی را که در نزدیکی دریاچه انطاکیه کشته بودند به سفیر مصر تقدیم کرد البته برای استواری پیمان، هدیه ناقابلی بود. پس از آن، دیگر مصرها تردید به خود راه نداده و به ترک های فلسطین حمله بردند و در 26 اوت 1908 اورشلیم را از آن ها پس گرفتند)). (13)

رانسیمان نیز در این باره می نویسد: ((آن گاه که صلیبیان هنوز در قسطنطنیه بودند، آکسیوس به ایشان سفارش کرده بود که سعی نمایند به نحوی با دولت فاطمی مصر کنار آیند. فاطمیان از دشمنان آشتی نا پذیر ترکان بودند و با رعایای مسیحی هم کیش خود مدارا می کردند و گذشته از آن همواره آماده بودند تا با سلاطین عیسوی با راه سازش روند. از قرار معلوم صلیبیان این اندرز امپراطور را به گوش نگرفتند، اما در اوایل فصل بهار سفیرانی از طرف الافضل، صدراعظم مقتدر خلیفه خردسال وقت المستعلی، به لشکرگاه صلیبیان در برابر انطاکیه وارد شدند. به نظر می رسد که الافضل پیشنهادی مبنی بر تقسیم امپراطوری سلجوقیان کرده بود، بدین نحو که صلیبیان می بایست شمال شام را برداشته و فاطمیان فلسطین را از آن خود می کردند. جای تردید نیست که الافضل صلیبیان را مگر سربازان مزدور امپراطور نمی پنداشت و با در نظر گرفتن اوضاع و احوال روز و احتمال حمله قریب الوقوع ترکان، مطمئن بود پیشنهادش را به جان و دل خواهند پذیرفت. سران باختری، سفیران دربار مصر را دو ستانه پذیرفتند، اما خویشتن را پابند میثاقی معین نساختند. مصریان چند هفته ای در لشکرگاه صلیبیان به سر بردند، سپس به همراه هیأت کوچکی از نمایندگان فرانک ها، با پیش کشی های بسیار که عمده اش غنائم پیروزی ششم مارس بود، راه بازگشت به میهن خود را در پیش گرفتند)). (14)

((هامیلتون گیپ)) نیز که به ارسال سفیر از سوی فاطمیان نزد صلیبی ها اشاره کرده، تأکید می کند که اهل صلیب پاسخ سفیر فاطمی را با اصرار به حمله به بیت المقدس دادند. (15) منابع غربی از سفارت دوم افضل بن بدر جمالی به صلیبی ها در تاریخ 20 جمادالاول 492 / 10 آوریل 1099. در منطقه عرقه (16) سخن گفته اند، (17) در صورتی که اولاً: هیچ يك از متون اسلامی در مورد این سفارت سخنی نگفته اند، و ثانیاً: در میان منابع صلیبی، ((فوجه دچارت)) تاریخ نگار همراه و معاصر جنگ اول صلیبی در کتاب خود به هیچ يك از این دو سفارت اشاره نکرده است. آن چه مسلم است این است که افضل بن بدر جمالی وزیر فاطمیان پس از آن که پی به انگیزه حقیقی صلیبی ها برد، در مقابل آن ها ایستاد و در صحنه های متعددی با آن ها جنگید. (18)

فاطمیان در برابر تهاجم صلیبی

پس از محاصره بیت المقدس توسط صلیبی ها، افتخارالدوله حاکم فاطمی شهر، سیاست دفاعی خود را تقویت کرد و دستور داد به منظور تشدید فشار علیه صلیبی ها، آب چاه ها و چشمه ها جز چشمه ((سلوان)) (19) را سمالود کنند. به گفته ویلیام صوری، این سیاست به منزله ایجاد مانع بزرگی در مقابل صلیبی ها بود. (20) حاکم بیت المقدس نیز مسیحیان ساکن شهر را اخراج کرد. (21)

محاصره صلیبی ها و مقاومت مسلمانان در درون شهر تشدید می شد. در این هنگام تعداد کشتی های جنگی ((ژنواپی)) به فرماندهی دو برادر ماجراجو ((ویلیام امبریاچو)) (22) و ((پریموس امبریاچو)) (23) به بندر ((یافا)) (24) رسید و آن جا را اشغال کرد. (25) در مقابل این تهاجم و در تاریخ شعبان 492 / 1099م. افضل بن بدر جمالی با سپاهی بزرگ از مصر بیرون آمد تا محاصره قدس را بشکند. (26) ابن فلانسی در این باره می گوید: ((و انتهت الیهم خروج الافضل من مصر فی العساكر الدرته لجهادهم)). (27)

پس از چندین روز محاصره و تبادل آتش، بیت المقدس در 22 شعبان 492 / 15 ژوئیه 1099. سقوط کرد. (28) اقرار تاریخ نگاران صلیبی معاصر جنگ ها (29) بر کشتار بی رحمانه ساکنان این شهر، نظر رانسیمان تاریخ پژوه معاصر غربی را تأیید می نماید: ((صلیبیان که بعد از آن همه بدبختی و رنج، مستی این پیروزی عظیم عقلشان را زایل کرده بود بی محابا به خیابان ها و کوی و برزن و مساجد و خانه ها ریخته، هر که را دیدند، از زن و مرد و کودک، بی دریغ به قتل رساندند. سرتاسر بعدازظهر و شب آن روز کشتار مردم ادامه داشت و پرچم تانکرد مهر امان پناهندگان مسجدالاقصی نشد. بامدادان روز بعد، گروهی از سربازان به قهر به مسجد درآمد، تیغ در پناهندگان نهادند)). (30)

فاطمیان پس از سقوط بیت المقدس

افضل بن بدر جمالی که با سپاهی مجهز روانه فلسطین شده بود در عسقلان خیمه زد. (31) سپاه صلیبی در سه گروه متشکل و مستقل به فرماندهی گودفروا، روبرت نورمندی و ریمون سن ژیلی در ((سهل مجدل)) (32) اردو زد و در نوزدهم رمضان 492 / دوازدهم اگوست 1099. به سپاه فاطمی حمله برد (33) و آن را شکست داد. (34) تاریخ نگاران قدیم و جدید علت شکست فاطمیان در این جنگ را ناهمگونی ارتش آن ها می دانند. (35) با این تجربه، طبیعی بود که افضل جمالی برای سازمان جدید نیروی جنگی خود برنامه ریزی کند. او تصمیم گرفت سپاه جدیدی به نام ((حجریه)) که بنا به نظر ابن خلکان تا حدود زیادی شبیه دو سپاه صلیبی ((شهبسواران پرستشگاه)) و ((مهمان نوازان)) بود (36) تأسیس کند و پس از آن، نظامیان سازمان یافته دیگری به نام ((ترابی)) و ((افضلیه)) تشکیل دهد. صلیبی های پیروز بعد از نبرد اخیر، دشت

های منطقه وسطای فلسطین یا ((الجلیل)) به مرکزیت ((طبریه)) (37) را اشغال و امیرنشین جدیدالجلیل (38) را تابع دولت صلیبی بیت المقدس تأسیس کردند.

گودفروا بندر ((ارسوف)) (39) در شمال یافا را در ذوالحجه 492 / اکتبر 1099. اشغال کرد.

بندر سوق الجیشی ((یافا)) که به منزله دریچه دریای مدیترانه محسوب می شد (40) برای صلیبی ها اهمیت خاصی داشت. اشغال این بندر و تقویت پایگاه های دفاعی آن را از سوی صلیبی ها به کمک نیروی دریایی جمهوریهای سه گانه ژنوا، پیزا و نیز (41) و پس از آن، سقوط ((حیفا)) (42) در اوت 1100. (43) و قیساریه در 494ه' / 1101م. که با قتل عام ساکنان مسلمان توسط صلیبی ها از اختیار فاطمیان خارج شد، زمینه تقویت دولت صلیبی در شام را فراهم کرد. پس از این مرحله و در نخستین روز رمضان 494 / اول ژوئیه 1101. سپاه قدرتمند فاطمی به فرماندهی ((سعبدالوله قواص)) به عسقلان رسید. (44) دو سپاه در محدوده عسقلان و در نزدیکی دهکده ((بینه)) (45) به نبرد ایستادند. تاریخ پژوه مسلمان و معاصر نبرد عسقلان را که به جنگ اول رمله مشهور است، چنین توصیف می کند: ((فرماندهان فاطمی پس از تجمع این نیروها، بلافاصله جنگ با دشمن را شروع نکردند، بلکه مدتی طولانی بدون انجام هیچ اقدامی در عسقلان باقی ماندند. البته این وقت گذرانی ها شاید به این دلیل بود که آن ها در انتظار وصول کمک های تازه یا کسب اطلاعات از موقعیت دشمن بودند، یا شاید هم واقعا از جنگیدن با صلیبیان می ترسیدند. اما به هر حال، صلیبیان از این موقعیت سوء استفاده کردند و بدوین اول، شاه بیت المقدس، در این فرصت خود را از هر جهت آماده کرد و به جمعآوری نیرو پرداخت و برنامه ای حساب شده برای مقابله با فاطمیان طراحی کرد، به خصوص که فهمیده بود هدف فاطمیان تصرف ((قدس)) است.... دو لشکر در صبح روز 7 / 9 / 1101م / 494ه'، در دشتی واقع در جنوب غربی شهر رمله رو در روی یکدیگر قرار گرفتند؛ پس فرنگان به مسلمانان حمله کردند و آنان را شکست دادند.)) (46)

پس از آن که ((المستعلی بالله)) خلیفه فاطمی مصر در هفدهم صفر 495 / 1101م. درگذشت و فرزند خردسال او ((الامر باحکام الله)) جانشین پدر شد، (47) افضل به عنوان حاکم مطلق، سپاهی دیگر به فرماندهی پسرش ((شرف المعالی)) به فلسطین فرستاد. (48) دو نیروی فاطمی و صلیبی در نزدیکی رمله در برابر هم صف کشیدند: ((پس فرنگان شکست خورد و تعداد زیادی از آنان کشته شدند و کسانی از آن ها که زنده ماندند اسیر گشتند.)) (49)

سقوط بندر ((عکا)) در سال 497ه' / 1104م. به دست بالدوین که با کمک نیروی دریایی ژنوا صورت گرفت، (50) افضل را وادار کرد تا یکی دیگر از حملات گسترده خود علیه صلیبی ها را که آخرین حمله بزرگ او بود سازمان دهد. او به رغم اختلافات ریشه دار عقیدتی با دولت ها و حکام سنی مذهب شام، از آن ها کمک خواست. پیش از این و در سال 495ه' / 1101م دقاق بن تتش سلجوقی صاحب دمشق از یاری او خودداری کرد، (51) اما در این مرحله ((طغتکین)) اتابک دمشق با او همراهی نمود. (52) این فلانسی این نبرد را که به نام ((جنگ سوم رمله)) معروف است این گونه تصویر می کند: ((والتقی الفریقان فی رابع عشر ذوالحجه من السنه، فیما بین یافا و عسقلان، فاستظهر الفرنج علی المسلمین و قتلوا و الی عسقلان و اسروا بعض المقدمین و انهزم عسکر مصر الی عسقلان و عسکر دمشق الی بصری، و قیل ان الذین قتلوا من المسلمین بازوا الدین قتلوا من المشرکین.)) (53)

در این نبرد، امیران فاطمی عکا و ارسوف اسیر شدند (54) و بدین ترتیب با اشغال بنادر و شهرهای ساحلی شام توسط صلیبی ها و خصوصا بندر مهمی چون عکا، بازرگانی دولت های اسلامی هم آسیب دید. به گفته رنه گروسه: ((اشغال سواحل فلسطین توسط فرنگی ها باعث آشفتگی روابط بازرگانی کشورهای اسلامی شد. کاروان هایی که میان قاهره و دمشق یا بغداد رفت و آمد می کردند ناچار شدند از میان بیابان های باب و علف ایدومه و جنوب بحرالمت عبور کنند و سپس به سوی شرق رود اردن در ماورای اردن بروند. به روایت وقایع نویسان آن زمان، یکی از این کاروان ها که از مصر آمده بود، در تاریکی و سکوت شب در نزدیکی رود اردن توقف کرد. شاه بدوین که به وسیله مراقبان خود آگاه شده بود، نیمه شب با شصت سوار به کنار رودخانه رسید و کاروان را توقیف کرد.)) (55)

دکتر صالح نوار محقق معاصر مصری شکست سپاه فاطمی در مقابل صلیبی ها را این چنین تحلیل می کند که. اولاً: افضل بن بدر جمالی به عنوان فرمانده کل جنگ، پس از درگذشت مخدومش المستعلی و جانشینی فرزند خردسال او الامر باحکام الله و با توجه به نقش مهمی که در هدایت دولت فاطمی داشت و برای حفظ کیان سیاسی خود، ناگزیر بود از همراهی سپاه در فلسطین خودداری کرده و در قاهره بماند. طبعاً عدم حضور او در صحنه کارزار ضایعه ای بزرگ تلقی می شد. خصوصاً در نبرد دوم و سوم رمله که فرماندهی با فرزندان او ((شرف المعالی)) و ((سنالالملک)) بود علاقه مندی آن دو به بقا و ادامه حیات و تأثیرپذیری نظامیان از آن دو باعث شد تا سپاه فاطمی نتواند مقاومت چندانی نماید. ثانیاً: عدم انسجام سپاه فاطمی و تنوع جنسیت آن مانند عرب، بربر، ارمن، حبش و ترک که بیشتر شبیه یک نیروی جنگنده مزدور بود تا یک ارتش مقتدر منسجم، عامل دیگری در ضعف نظامی فاطمیان بود و همان طور که این فرات در کتاب ((تاریخ الدول و الملوک)) آورده، علت شکست افضل سپاهیان او بودند. ثالثاً: نیروی دریایی فاطمیان که از دوران ((المعزالدین الله)) تا عصر ((المستنصر بالله)) قویترین ناوگان دریایی مدیترانه را داشت، پس از شروع جنگ های صلیبی که مقارن با دوره جانشینان المستنصر بالله و دوره ضعف فاطمیان بود، رو به ضعف و سستی نهاده بود. رابعاً: انگیزه قوی و یک پارچه صلیبی ها در حفظ مرکزیت بیت المقدس به عنوان پایگاه دینی آن ها در شرق، از یک سوی، و کمک های پی در پی ناوگان دریایی جمهوریهای سه گانه ایتالیا ژنوا، پیزا و ونیز از سوی دیگر بنیه نظامی صلیبی ها را تقویت می کرد. (56)

ادامه نبرد

حضور فاطمیان و هواداران آن ها در منطقه وسیعی از شمال حیفا در فلسطین تا بندر لاذقیه، (57) بلدوین پادشاه صلیبی بیت المقدس را بر آن داشت تا به تقویت بنیه دفاعی ممالک خود بپردازد و این امر، به گفته رانسیمان، مستلزم تجاوز به قلمروهای دیگران بود. (58) طرابلس (59) که تحت سلطه مشروطه سلسله شیعی بنوعمار بود یکی از مهم ترین و حساس ترین پایگاه های دریایی فاطمیان محسوب می شد و صلیبی ها پس از اشغال انطاکیه و رها، در آرزوی دست یابی به آن بودند. ریمون سن ژیلی (صنجیلی) (60) امیر انطاکیه پس از آن که طرطوس، (61) بندر دیگری از ساحل مدیترانه، را در 495ه' / 1102م. اشغال کرد، بر اشغال طرابلس اصرار نمود. او توانست پس از جنگ و گریزهای چند ساله و با ساخت قلعه ای (62) در نزدیکی شهر طرابلس، زمینه سقوط این شهر را فراهم کند. اگر چه او در 4 جمادالثنانی 498 / 28 فوریه 1105. مرد، اما جانشینش ویلیام زردان (63) (ویلیام سرداگنی) محاصره شهر را با کمک حاکم بیزانسی قبرس (64) کامل نمود. مردم طرابلس از افضل بن بدر یاری خواستند (65) و ارتش فاطمی به قصد دفاع از آن ها روانه طرابلس شد، اما صلیبی ها با کمک ناوگان قدرتمند در یابی ژنوا که حدود شش

سال قبل و به فرماندهی دو برادر ماجراجوی دریایی (66) در بندر لاذقیه لنگر گرفته بود، قبل از آن که نیروی کمکی مصر به سواحل طرابلس برسد شهر را اشغال کردند. (67) با اشغال طرابلس که مسلمانان و خصوصا شامیان را اندوهگین کرد، (68) امیرنشین صلیبی طرابلس به دست کنت تولوز (69) تأسیس شد. یکی دیگر از بنادر مهم که صلیبی ها را به اشغال آن تحریک می کرد بیروت بود. صلیبی ها در مسیر حرکت به بیت المقدس در سال 492هـ / 1099م. قصد اشغال بیروت را داشتند، اما والی شهر با ارسال هدایا و اموال بسیار مانع تعرض آن ها شد. (70) در سال 495هـ / 1102م. نیز بالدوین به رغم محاصره طولانی شهر نتوانست آن را اشغال کند، (71) ولی در سال 503هـ / 1110م با کمک ژوسلین صاحب ((تل باشر)) (72) حصار سختی برای بیروت فراهم کرد.

هر چند وزیر دولت فاطمی، افضل بن بدر جمالی، نیروی دریایی قدرتمندی برای مقابله با صلیبی ها فرستاد و این نیرو مقاومتی سرسخت و مورد ستایش تاریخ نگاران صلیبی (73) از خود نشان داد، اما بالدوین با کمک سپاه دریایی ژنوا و پیزا و هم چنین نیروهای مسیحی ساکن منطقه، از جمله مارونی ها، نتوانست به هدف خود دست یافته و با کشتن فرمانده نیروی دریایی مصریان و قتل عام سایر افراد، بیروت را در سال 503هـ / 1111م. اشغال کند. (74) بندر صیدا نیز سرنوشت مشابهی داشت؛ در سال 501هـ / 1107م. بالدوین با کمک کشتی های جنگی ژنوا پی صیدا را محاصره کرد (75) و ارتش مصر چنان شکستی بر سپاهیان آن تحمیل کرد که بنا به گزارش ابن فرات، در قاهره مرکز خلافت فاطمی از خوشحالی و سرور جشنی بزرگ برپا شد. (76)

صلیبی ها در اوایل سال 504هـ / 1111م. با کمک ناوگان قوی ((ونیز)) به فرماندهی دوک ونیز (77) حصار صیدا را تنگ تر کرده و به رغم مقاومت نیروهای فاطمی، این بندر نیز پس از چهل و هفت روز در نوزدهم جمادالاول 504 / 19 اکتبر 1114. سقوط کرد. (78) اینک تمامی بنادر سواحل شام و فلسطین به جز عسقلان (79) و صور (80) در اختیار صلیبی ها بود؛ بنابراین، خطری جدی از یک سو دمشق و از سوی دیگر قاهره پایتخت فاطمیان را تهدید می کرد. صور یک پایگاه استراتژیک دریایی برای فاطمیان به حساب می آمد و پس از اشغال بیت المقدس و سایر نواحی جنوبی شام، به عنوان یک خطر جدی برای صلیبی ها تلقی می شد. تاریخ نگار صلیبی معاصر و همراه جنگ اول صلیبی، صور را پایگاه بزرگ دریایی فاطمیان و دردسر بزرگ فرنگی ها دانسته است؛ (81) زیرا موقعیت جغرافیایی این بندر بر اهمیت سیاسی و نظامی آن می افزود.

((آناکومن)) (82) در کتاب خود ((آلکسیاد)) که ترجمه احوال امپراتور بیزانس الکسیوس و یکی از منابع مسیحیت شرقی در باره جنگ صلیب است، این گونه نظر می دهد: موقعیت طبیعی بندر صور باعث شد تا این شهر سال ها در برابر صلیبی ها مقاومت کند. (83) ویلیام صوری نیز در مورد زادگاه خود بر زیبایی و منحصر به فرد بودن طبیعتش تأکید دارد (84) و وجه تمایز صور را دژبندی و استحکامات دفاعی آن دانسته (85) و می نویسد: ((و کانت مدینه صور بالنسبته لا میر مصر هی المدینه الانفس والاکتر انسجاما بسبب میزاتها الکثیره و دفاعاتها القویه)). (86)

در سال 500هـ / 1106م. امیر صلیبی به صور حمله کرد، اما موفق به فتح آن نشد. (87) و پس از آن و همانند روش ((سن ژیل)) که برای غلبه بر طرابلس در نزدیکی آن قلعه ای ساخته بود، از نیز دژ تنین (88) را بنا کرد. در پی آن، بالدوین پادشاه بیت المقدس نیز در سال 501هـ / 1108م. قلعه ای دیگر مشرف بر صور به نام ((تل المعشوقه)) ساخت. (89) افضل در سال 502هـ / 1109م. ناوگان بزرگی برای نجات شهر فرستاد که به گفته ابن قلاسی: ((و لم یکن خرج للمصریین فیما تقدم مثله کثره رجال و مراکب و عدد و غلال)). (90)

سه سال پس از این واقعه و بعد از اشغال بندر صیدا، صلیبی ها با کمک ناوگان در یابی بیزانس صور را محاصره کردند. والی فاطمی شهر ((عزالملک انوشکین)) (91) از قاهره باری خواست، اما افضل به علت ویاک شدیدی که در مصر رواج یافته بود (92) نتوانست خواسته او را اجابت نماید؛ زیرا غالبا در طول تاریخ مصر هرگاه قحطی، وبا، خشکسالی و بحران های طبیعی دیگر - که کم هم نبوده - رخ می داد، تحركات سیاسی و نظامی مختل می شد.

با همراهی طغتنکین اتابک دمشق، والی فاطمی صور توانست دشمن صلیبی را از شهر دور کند و با انعقاد پیمان دوستی دو دولت شیعی و سنی قاهره و دمشق که ناسازگاری آن ها در آغاز جنگ صلیب سلطه صلیبی ها را هموار کرده بود، بندر حساس و استراتژیک صور بیش از یک دهه دیگر در دست مسلمین باقی ماند، هر چند صلیبی ها در سال 518هـ / 1124م. و در عصر وزارت مأمون بطانحی جانشین افضل توانستند آن را بدون درگیری اشغال کنند. (93)

آخرین پایگاه فاطمیان در شام

عسقلان یا عروس شام (94) در جنوب بیت المقدس، از زمان اشغال قدس شریف توسط صلیبی ها تهدیدی جدی علیه دولت صلیبی بیت المقدس بود. پس از مرگ ((گودفروا)) و جانشینی بالدوین، صلیبی ها توجه خود را به این بندر معطوف کردند. فاطمیان نیز به عروس شام اهمیتی خاص داشتند و به گفته ((دوگان))، افضل و جانشینانش عسقلان را مرکز نظامی خود در شمال می دانستند. (95) مقریزی معتقد است از نظر فاطمیان، عسقلان برتر از دمشق بود (96) و پس از آن که شهرهای مهم ساحل مدیترانه یکی پس از دیگری به اشغال صلیبی ها درآمد، تقویت بنیه نظامی آن بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. صلیبی ها از سال 504هـ / 1111م. تصمیم به اشغال عسقلان گرفتند. در این زمان حکومت شهر به دست شمس الخلافه نامی بود. (97) این حاکم از آن جا که به تجارت راغب تر بود تا جنگ، (98) بیشتر به آرامش شهر فکر می کرد، لذا به دور از چشم وزیر و خلیفه فاطمی با صلیبی ها وارد مذاکره شد. (99)

تدبیر افضل بن بدر جمالی (100) مانع سقوط عسقلان و خارج شدن آن از حیطه نفوذ دولت قاهره گردید. افضل به منظور انتقام از صلیبی ها یک بار در سال 506هـ / 1113م. و به هنگامی که بالدوین با ((مودود)) اتابک موصل درگیر بود، از پایگاه عسقلان به بیت المقدس حمله کرد ولی ناکام ماند، و بار دیگر در ربیع الاول 509 / آگوست 1115. زمانی که پادشاه صلیبی در شمال شام با سلجوقیان می جنگید، از عسقلان به یافا لشکر کشید؛ در این حمله نیز اگر چه به صلیبی ها خساراتی وارد شد، اما فاطمیان مجبور شدند به عسقلان باز گردند. (101) بالدوین همان سیاست قلعه سازی و تحکیم مواضع دفاعی و نظامی را دنبال کرد. در سال 509هـ / 1115م. قلعه ((حصن الشوبک)) (102) را در نزدیکی عسقلان ساخت تا راه تجاری و نظامی دمشق - مصر را تهدید کند. (103) در این سال ها که مصادف با دهه های آخر حکومت فاطمیان بود و بعد از قتل افضل بن بدر جمالی که قدرت فائقه اش او را به شاهنشاه ملقب کرده بود، وزیران فاطمی قدرت گذشته را نداشتند و همین امر باعث شد تا آخرین پایگاه فاطمیان در شام یعنی عسقلان در سال 548هـ / 1153م سقوط کند. (104)

اگر چه رنه گروسه معتقد است با پیروزی صلیبی ها بر عسقلان، برنامه جنگ های صلیبی تکمیل شد، اما باید گفت در نگاه

صلیبی‌ها هنوز امنیت بیت المقدس از ناحیه مصر تهدید می‌شد و به همین جهت مدت کمی پس از اشغال عسقلان، حمله به مصر را آغاز کردند. در فاصله سقوط عسقلان و حمله صلیبی‌ها به مصر، طلائع بن رزیک وزیر فاطمی به چند اقدام نظامی علیه صلیبی‌ها دست زد؛ از جمله در سال 553هـ / 1158م در ((غزه)) و ((الخلیل)) به صلیبی‌ها شلیخون زد. (105) به علت حملات پی‌درپی او به صلیبی‌ها، مقریزی به او لقب ((ابوالغارات)) داده است. (106) او معتقد بود غلبه بر صلیبی‌ها جز با اتحاد دمشق و قاهره مقدور نیست؛ به همین علت در این زمینه با نورالدین زنکی مکاتباتی انجام داد. (107) این وزیر با کفایت فاطمی که شاعری چیره دست نیز بود، با اشعارش نورالدین زنکی و سایر امرای شام را به نبرد با صلیبی‌ها تحریک کرد و حتی نورالدین سنی مذهب را به خاطر پیروزیهایش ستود (108) و این نشان می‌دهد که نگاه دولتمردان فاطمی به جنگ صلیب بیشتر نگاهی عقیدتی بوده است تا سیاسی.

آن چه در تاریخ جنگ صلیب قابل تأمل است این است که بزرگان شیعی مذهب شام، مصر و عراق به رغم خصومت و درگیری دیرینه میان شیعه و سنی، در برخورد با صلیبی‌ها مصالح کلی مسلمین را ترجیح می‌دادند. این امر در موضع‌گیری ابن منیر طرابلسی در اشعارش کاملاً هویدا می‌باشد. (109) ابن منیر حتی زمانی که معین الدین انزلی (110) حکمران دمشق در مصاف با نورالدین از صلیبی‌ها کمک می‌طلبید، او را تقبیح کرده و از نورالدین متعصب ضد شیعه می‌خواهد با او جنگ نماید. (111) هم چنین محمد بن اسعد بن علی حلبی جوانی که از علویان نسابه و از نسل امام سجاد است، (112) صلاح الدین ایوبی را به علت پیروزی و فتح بیت المقدس ستایش می‌کند و قصیده‌ای بلند در وصف قدس و صلاح الدین می‌سراید. (113)

اسماعیلیان مصر (فاطمیان) در معرض تهاجم

با آزاد سازی رها یا ادسا به عنوان امیرنشین صلیبی توسط عمادالدین زنکی - اتابک موصل - در سال 539هـ / 1144م. و ادا مه یافتن جهاد ضد صلیبی از سوی فرزندش نورالدین، توجه صلیبی‌ها به سمت جنوب معطوف شد. از سوی دیگر، نورالدین برای آزاد سازی سایر شهرهای اشغال شده، به ضرورت یک پارچگی جغرافیایی شام از دمشق تا حلب فکر می‌کرد. در بخش دیگر جغرافیای اسلامی یعنی مصر هم طلائع بن رزیک وزیر ضد صلیبی فاطمیان تنها راه‌هایی از خطر صلیبی‌ها را اتحاد دمشق و قاهره می‌دانست و با این دیدگاه، مکاتبات خود را با نورالدین زنکی آغاز کرد. (114) هر چند نورالدین نپذیرفت.

طلائع بن رزیک در سال 552هـ / 1157م. با دو مرحله لشکرکشی به اردن و تحمیل ضربات سنگین بر صلیبی‌ها، به قاهره بازگشت. (115) حملات دوباره او در سال بعد، صلیبی‌ها را به تقاضای آتش بس واداشت. (116) ((شاوربن مجیر سعیدی)) که دشمن خاندان ابن رزیک بود، وزارت مصر را عهده دار شد و از آن جا که ((امر مصر فی وزارت فی ادبار))، (117) ((ضرغام بن عامر لخمی)) رقیب او قدرت را به دست گرفت و شاور مجبور شد از نورالدین کمک بخواهد. (118) در همین ایام، اموری کنت یافا و عسقلان به عنوان جانشین بالدوین سوم پادشاه بیت المقدس شد و چون پیش از دیگر پادشاهان صلیبی اهمیت بازرگانی مصر را می‌دانست، (119) در شوال 558 / سپتامبر 1163، به آن سرزمین حمله کرد، اما مقاومت ضرغام باعث شد که او بدون دست‌یابی به نتیجه، باز گردد. (120)

اگرچه پادشاه صلیبی در این تهاجم از فاطمیان شکست خورد، اما به نکات مهمی از جمله ضعف دولت اسماعیلی مصر به علت نزاع و خصومت وزیران، ضعف روحیه نظامی گری بین سپاهیان، ثروت طبیعی مصر و امکان جذب مسیحیان قبطی در آن سرزمین پی برد، که همه آن‌ها از عوامل تحریک کننده اموری برای حمله مجدد به مصر بود. شاور به نورالدین قول داده بود که در صورت پشتیبانی از او، اولاً: ثلث خراج مصر را به اتابک زنکی بدهد؛ ثانیاً: حقوق سپاهیان نورالدین را پرداخت کند؛ ثانیاً: سیادت و سروری نورالدین بر مصر را بپذیرد. (121) نورالدین زنکی که سلطه بر مصر را ضروری می‌دانست، سپاهی را به فرماندهی ((اسدالدین شیرکوه)) (122) به مصر فرستاد و با قتل ضرغام، مصر را در اختیار رقیبش شاور قرار داد. (123) شاور از همان ابتدا پیمان خود با نورالدین و شیرکوه را نقض کرده و از دادن خراج به دولت زنکی خودداری نمود (124) و با صلیبی‌ها وارد مذاکره شد. (125) وی به صلیبی‌ها اطمینان داد که در صورت اعزام نیرو به مصر، علاوه بر پرداخت بیست و هفت هزار دینار، علوفه اسب‌های شهسواران مهمان نواز را تأمین خواهد کرد. (126) مقریزی معتقد است نورالدین محمود زنکی از آغاز نسبت به پیمان داری ((شاور)) تردید داشت. (127) صلیبی‌ها که وحدت مصر و شام را برای خود خطرناک می‌دانستند، و به گفته ابن واصل ((انهم قد خافوا خوفاً شديداً اذا ما تحقق ذلك و ايقنوا بالهلاك و ان بلادهم تستأصل))، (128) تقاضای شاور را پذیرفتند و سپاه شیرکوه را که در ((بلیس)) (129) اردو زده بود محاصره کردند. این محاصره با ترک مصر از سوی دو سپاه صلیبی و شیرکوه بدون درگیری پایان یافت. (130)

رانسیمان با استناد به اقوال ((ویلیام صوری))، ((ابن اثیر)) و ((ابوشامه)) در این باره چنین گفته است: ((دو سپاه مسلمان و مسیحی در دو مسیر جداگانه موازی از شبه جزیره سینا گذشته و مصر را به شاور واگذار نمودند. شیرکوه آخرین فرد از سپاه خود بود که از مصر پا بیرون نهاد. آن گاه که به قصد بدرود نزد فرنگان آمده بود یکی از تازه واردان باختری از او پرسید که مگر از امکان خیانت بیمناک نیست و شیرکوه با سرفرازی پاسخ داد که در چنین صورتی سربازانش همه به کین خواهی بخواهند خاست و آن مرد فرنگی در جواب گفت حال درمی‌یابد که چرا صلیبیان برای او این همه قدر و منزلت قائلند.)) اما اتابک زنکی و فرمانده نظامی او شیرکوه نمی‌توانست دل از مصر ببرد. موقعیت استراتژیکی مصر، حاصل خیزی آن سرزمین و نگاه تعصب‌آمیز به شیعیان فاطمی، به علاوه ضرورت یکپارچگی جغرافیای نیل تا فرات و لزوم گوش مالی شاور که به او خیانت کرده بود، ذهن نورالدین را مشغول نموده بود؛ بنابراین، طبیعی بود که وی به مصر لشکرکشی کند. (131) در حمله او در سال 563هـ / 1167م. شاور مجدداً از اموری کمک خواست. پادشاه صلیبی بیت المقدس همه نجبا را فرا خواند و به آن‌ها گفت: ((اگر نورالدین که بر همه سوریه اسلامی فرمانروایی می‌کند مصر را تصرف کند، همه سرزمین‌های فرنگی از دو سو در محاصره قرار خواهند گرفت و به زودی سوریه فرنگی سقوط خواهد کرد؛ پس باید هر چه زودتر به کمک شاور شتافت و مصر را نجات داد.)) (132)

سپاه اموری به سوی مصر حرکت کرد و در قاهره و در کرانه شرقی رودخانه نیل از جانب شاور مورد استقبال قرار گرفت. (133) پیشنهاد شاور به صلیبی‌ها پرداخت چهارصد هزار دینار در دو قسط بود، مشروط بر آن که وی زودتر از سپاه زنکی مصر را ترک نکند. (134) اموری برای اطمینان خاطر از این پیمان، ((هوگ)) صاحب قیساریه را به همراه فرمانده سوران معبد به نزد العاضد خلیفه خردسال فاطمی فرستاد تا رضایت او را نیز جلب کند. (135)

رانسیمان با استناد به تاریخ نگاران پیش و معاصر جنگ‌ها (136) وقایع این نبرد را شرح داده است. (137)

شیرکوه نیز تن به مصالحه و آتش بس داد. تاریخ نگاران مسلمان و مسیحی معاصر جنگ‌ها مفاد آتش بس را با دو برداشت ارائه داده اند؛ ابن اثیر به عنوان نماینده تاریخ نگاری مدرسه اسلامی نوشته است: در این معاهده شیرکوه باید پنجاه هزار دینار به

علاوه مناطق اشغالی را بگیرد و صلیبی ها بدون هیچ عایدی به شام بازگردند. (138) ویلیام صوری تاریخ نگار مدرسه صلیبی بر بقای اسکندریه در دست آموری، مبادله اسیران جنگی و ترک مصر توسط سپاه شیرکوه تأکید دارد. (139) به نظر می رسد آن که بر اصل صلح نامه تأکید می کند ابوشامه است. او معتقد است خروج دو سپاه زنکی و صلیبی از مصر، مبادله اسیران و عدم تعقیب آن دسته از مردم اسکندریه که صلاح الدین و عمویش را کمک کردند از سوی شاور، از مفاد اصلی صلح نامه است. (140) البته صلیبی ها به هنگام ترک مصر و بنا به تقاضای شاور، شحنگی و نگهبانی دروازه های قاهره را در دست نیروهای خود نگه داشتند. (141) به این ترتیب، پایتخت فاطمیان تحت الحمایه صلیبی ها درآمد.

آموری بعد از بازگشت به بیت المقدس تصمیم گرفت ابتدا همراهی دولت هم کیش خود بیزانس را جلب نموده و سپس به مصر لشکرکشی کند. ازدواج سیاسی او با ((ماری کومنن)) - برادرزاده امپراتور بیزانس (142) - زمینه ساز این وحدت شد. (143) اما به نظر می رسد امپراتور بیزانس در ازای مشارکت در جنگ علیه فاطمیان مصر، علاوه بر عنائم، حاکمیت بعضی از مناطق را مطالبه کرده است. (144) آموری که این زیاده روی امپراتور را توقع نداشت، ویلیام صوری تاریخ نگار دربار خود را به بیزانس فرستاد تا پیمانی منطقی ببندد. (145) در همین زمان که نماینده آموری در بیزانس بود، پادشاه صلیبی با اصرار شوالیه ها به مصر حمله نمود و در طلوعه دومین ماه سال 564ه' / نوامبر 1168. ((بلیسی)) و سپس قاهره را محاصره کرد. (146) صلیبی ها بلیس را که در درست فرزند شاور بود سراسر به خون کشیدند. (147) زمانی که قاهره در محاصره صلیبی ها بود به نگاه خبر رسید که العاضد خلیفه فاطمی که تاکنون تحریکی نشان نداده بود، از نورالدین و شیرکوه کمک خواسته و نامه ای بدین عبارت برای او فرستاده است: ((واغوئه! واغوئه! واغوئه! الحق دین الاسلام! ادرك امه محمد عليه السلام! يا نورالدین! يا نورالدین! يا نورالدین!)) (148)

نورالدین اهمیت مصر را درک می کرد و معتقد بود اگر دشمن بر سرزمین مصر استیلا یابد بر سایر سرزمین های اسلامی نیز مستولی خواهد شد (149); لذا شیرکوه را با سپاهی بزرگ روانه مصر کرد. ورود این سپاه که به گفته مورخان مسلمان به منزله فتح جدید مصر بود (150) عقب نشینی سپاه صلیبی از مصر را در پی داشت. (151)

با فرمان خلیفه فاطمی، شاور که عامل اصلی حملات دشمنان به مصر بود، کشته شد (152) و اسدالدین شیرکوه نیز که با لقب ((الملك المنصور امیرالجیوش)) جانشین او شده و لباس وزارت را پوشیده بود پس از دو ماه و اندکی مرد (153) و برادرزاده اش صلاح الدین وزیر فاطمیان شد. (154) آموری پس از این مرحله متوجه شد که غلبه بر مصر جز با همراهی دولت بیزانس امکان پذیر نیست. دولت بیزانس هم به مصر چشم طمع داشت و بر این اساس با ارسال نیروی دریایی خود به جنگ موافقت نموده و در اواخر سال 563ه' / 1169م. ناوگان بزرگی را به فرماندهی کنتوس تانوس (155) آماده نمود. سپاه مشترک صلیبی - بیزانس در ابتدای سال 565ه' / 1169م. دمیاط (156) را محاصره کرد، (157) اما پس از پنجاه روز محاصره و با دادن تلفات سنگین دست از محاصره دمیاط برداشته و به فلسطین بازگشت. ابن اثیر را در قالب مثال چنین توصیف می کند: ((خرجت النعامه تطلب قرنین رجعت بلا اذنین)). (158) با پایان جنگ، دمیاط دشمن صلیبی چشم از مصر و قلمرو فاطمیان برداشت و از این پس نقش فاطمیان در جنگ صلیبی خاتمه پذیرفت.

پی نوشت ها:

1. تقی الدین احمد بن علی مقریزی، السلوك لمعرفة دول الملوك، تحقیق محمد مصطفی زیاده (قاهره، دارالکتب المصریه، 1934م). ج 1، ص 33.
2. از فرماندهان ترک در دولت الب ارسلان و ملک شاه بود.

A History of the Crusader, Pansylvania Press, 1962, p 172

3. 4. وفا جونی، دمشق و المملکه اللاتینیة فی القدس (بیروت، دارالفکر، 1417ه') ص 51-47 و دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج 1، ص 566.
5. علی بن طافر ازدی (623.567ه') صاحب کتاب اخبار الدول المنقطعه.
6. شهاب الدین احمد نویری (733.677ه') صاحب کتاب نهایه الارب فی فنون الادب.
7. عبدالرحمن بن خلدون تاریخ نگار مشهور مغربی صاحب کتاب العبر و دیوان المبتدا و الخبر.
8. جلال الدین سیوطی صاحت کتاب تاریخ الخلفاء.
9. جمال الدین البوالمحاسن ابن تغری بردی صاحب کتاب النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره.
10. محمد بن عبدالکریم شیبانی (ابن اثیر جزری)، الکامل فی التاریخ، تحقیق علی شیری (بیروت، داراحیا التراث العربی، 1408ه') ج 6، ص 377.
11. ریموند آگیل در کتاب خود به محاصره انطاکیه توسط صلیبی ها اشاره کرده و می گوید: ((در حین محاصره سفیران پادشاه مصر در انطاکیه بودند))، ولی از زمینه و علت ورود آن ها به انطاکیه سخن نمی گوید؛ ریموند آگیل، تاریخ الفرنجه غزاه بیت المقدس، ترجمه حسن محمد عطیه (اسکندریه، دارالمعرفه الجامعیه، 1990م) ص 105.
12. ویلیام صوری، تاریخ الحروب الصلیبیه، ترجمه سهیل زکار (دمشق، دارالفکر، 1994م) ج 1، ص 297-298.
13. رنه گروسه، تاریخ جنگ های صلیبی، ترجمه ولی الله شادان (تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، 1377ش) ج 1، ص 303.
14. استیون رانسیمان، تاریخ جنگ های صلیبی، ترجمه منوچهر کاشف (چاپ سوم: تهران، شرکت انتشارات علی و فرهنگ، 1371ش) ج 1، ص 303.

Hamilton Gibb. The Caliphate and the Arab State, 1955, Vol 1, p. 81-98

15. 16. بلده فی شرق طرابلس؛ یاقوت بن عبدالله حموی، معجم البلدان (بیروت، داراحیا التراث العربی، 1399ه') ج 4، ص 109.
17. ریموند آگیل، همان، ص 187 و ویلیام صوری، همان، ص 320.
18. سعید عبدالفتاح عاشور، شخصیه الدوله الفاطمیه فی الحركه الصلیبیه، المجله التاریخیه المصریه، قاهره، 1969م، ص 16، ص 66-15.
19. ((و در پهنای مسجد دری است مشرقی که آن را باب العین گویند که چون از این در بیرون روند و به نشیبی فرو روند آن جا چشمه سلوان است))؛ ناصر خسرو، سفرنامه، به کوشش نادر وزین پور (تهران، امیرکبیر، 1366ش) ص 48.

20. ویلیام صوری، همان، ص 420.415.
21. استیون رانسیمان، همان، ص 386 و عارف عارف، تاریخ القدس (قاهره، بی نا، 1959م) ص 292. البته ویلیام صوری به شکل مبالغه‌آمیز می نویسد: ((حاکم فاطمی هر اکثر ساکنان مسیحی شهر را کشت))، که واقعیت ندارد؛ همان، ص 428.
- William Embriaco.
Primus Embriaco.
22. 23. 24. شهر کوچکی در ساحل فلسطین میان عکا و قیساریه؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ج 5، ص 370.
25. صلاح الدین محمد نوار، العدوان الصلیبی علی العالم الاسلامی (اسکندریه، دارالدعوه، بی تا)، ص 112.
26. تقی الدین احمدین علی مقریزی، اتعاط الحنفی باخبار الائمه الفاطمیین الخلفاء، تحقیق جمال الدین الشیال و محمد حملی احمد (قاهره، المجلس الاعلی علی الشؤون الاسلامیه، 1967م) ج 3، ص 23.
27. حمزه بن اسدبن علی تمیمی (ابن قلانسى)، ذیل تاریخ دمشق، تحقیق سهیل زکار (دمشق، دارحسان، 1403هـ) ص 136. البته سپاه افضل بیست روز بعد از سقوط قدس رسید و مجبور شد در عسقلان بماند.
28. تاج الدین محمدبن علی بن یوسف (ابن میسر)، اخبار مصر، تحقیق ایمن فواد سید (قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للاثار الشرقیه، 1981م) ص 31؛ ابن اثیر جزری، همان، ص 384.383 و مجهول المؤلف، البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان، به اهتمام کلود کاهن (پاریس، مجله الدراسات الشرقیه، 1938، orientals Bulletin d'e tudes)، ج 1، ص 437.436.
29. ریموند آگیل، همان، ص 247؛ فوجیه چارتر، تاریخ الحمله الی القدس، ترجمه زیاد العسلی (عمان، دارالشروق للنشر و التوزیع، 1990م) ص 75 و ویلیام صوری، همان، ص 437.436.
30. استیون رانسیمان، همان، ص 377.376.
31. ابومحمد مرتضی عبدالسلام بن حسن فهری قیسرانی (ابن طویر)، نزهه المقلتین فی اخبار الدولتین، تحقیق ایمن فواد سید و فرانس شتایز (اشتوتگارت، النشرات الاسلامیه، 1992م) ص 3؛ خطط مقریزی، ج 1، ص 443؛ ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره (قاهره، دارالکتب المصریه، 1375هـ) ج 5، ص 145 و ویلیام صوری، همان، ص 457.
32. منطقه ای در شمال عسقلان.
33. ابن اثیر جزری، همان، ص 470؛ ابن میسر، همان، ص 39 و ابن طویر، همان.
34. ابن میسر، همان؛ ابن قلانسى، همان، ص 137 و فوجیه چارتر، همان، ص 78.
35. مانند ابن فرات که در کتاب تاریخ الدول و الملوک (ج 2، ق 2، ورق 50) می نوسد: ((فخذل (الافضل) من جهه عسکره، و علم ان السبب فی ذلك من جنده))؛ نقل از: صلاح الدین محمد نوار، همان، ص 150.
- طط مقریزی، ج 1، ص 443.
- of the Art of War in the middle Ages, London, 1924, Vol I, P. 291.
- of the Crusades, London, 1952, Vol. 1, P. 242.
- Oman, Charle. A History Michaud (J.F). History.
36. وفيات الاعیان، ج 3، ص 418 (در شرح حال عادل بن سلار).
37. ((هی من اعمال الاردن بینها و بین دمشق ثلاثه ایام و كذلك بینها و بین بیت المقدس))؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ص 18.17.
38. امارت الجلیل یا ماوراء رود اردن Jordan Trans؛
39. شهر کوچک ساحلی میان قیساریه و یافا. یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ج 1، ص 107، ابوالفدا، تقویم البلدان، ص 239.
40. صلاح الدین محمدنوار، همان، ص 167.
41. فاید حماد محمد عاشور، جهاد مسلمانان در جنگ های صلیبی، ترجمه عباس عرب (تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1373ش) ص 155.
42. در ساحل مدیترانه نزدیک یافا؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ص 2، ص 332.
- Setton, History of the Crusads, Vol. 1, P. 380.
43. 44. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص 167 و ابن قلانسى، همان، ص 225.224. 45. ابن قلانسى، همان، ص 227؛ تقی الدین احمدین علی مقریزی، همان، ص 26؛ ابن میسر، همان، ص 40؛ البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف) ص 115 و عظیمی، تاریخ حلب، ص 360.
- ابن اثیر این حادثه را مربوط به سال 496هـ دانسته است؛ (همان، ص 432) و ابن تغری بردی مربوط به سال 493هـ؛ (همان، ص 152) و فوجیه چارتر مربوط به سال 1102م. مطابق سال 495هـ دانسته است؛ (همان، ص 122). رانسیمان نیز سال 494هـ (1101 م) را ثبت کرده است؛ (همان، ج 2، ص 84).
46. Ibelin (ابلین) در جنوب غربی رمله.
47. فاید حماد محمد عاشور، همان، ص 166.165.
48. ابن میسر، همان، ص 40 و وفيات الاعیان، ج 2، ص 450.
49. ابن قلانسى، همان، ص 229.
50. ابن اثیر جزری، همان، ص 422 و ویلیام صوری، همان، ص 503.502.
51. ابن قلانسى، همان، ص 232؛ استیون رانسیمان، همان، ج 2، ص 101.100 و فاید حماد محمد عاشور، همان، ص 170.
52. ابن اثیر جزری، همان، ص 427 و ابن میسر، همان، ص 41.
53. ابن قلانسى، همان، ص 240؛ ابن میسر، همان و ویلیام صوری، همان، ص 575.
54. ابن قلانسى، همان، ص 241.240.
55. تقی الدین احمدین علی مقریزی، همان، ص 35.
56. رنه گروسه، همان، ص 70.69.
57. صلاح الدین محمدنوار، همان، ص 150.
58. Lattaquie بندری در شمال سوریه فعلی و نزدیک طرابلس.

59. استیون رانسیمان, همان, ص 8.

.Tripoli

.Raymond de Gille 60.

61. 62: Tortose بندری در ساحل مدیترانه, در سوریه فعلی و نزدیک طرابلس.
63. این قلعه که معروف به قلعه ((سن ژیل)) است و ویلیام صوری آن را ((کوه حاجیان)) Mons Pelegrinus نامیده, با مساعدت امپراتور بیزانس آکسیوس کومنن ه از حاکم بیزانسی قبرس خواسته بود سن ژیل را کمک کند ساخته شد; صلاح الدین محمد نوار, همان, ص 260.
64. William Jordon.
65. نام او ((ایماتوس فیلوکاس)) Eumathius Philocates است.
66. ابن اثیر جزری, همان; 487 عمادالدین اسماعیل بن علی بن محمود(ابوالفدا), المختصر فی اخبار البشر, تحقیق محمود ایوب (بیروت, دارالکتب العلمیه, 1997م) ج 2, ص 223 و تقی الدین احمد بن علی مقریزی, همان, ص 42.
67. به نام های Ansaldo Embriaco و Hugh Embriaco
68. ابن اثیر جزری, همان, ص 500 و البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف), ص 116. در مورد تسخیر طرابلس, در منابع تاریخی میان سال 502 و 503 اختلاف است.
69. ابن الفرات در ((تاریخ الدول الملوك)) می نویسد: ((فجزن الناس علی اهلها و بکوالمصا بها... و فزع اهل الشام قاطبه...)); نقل از: صلاح الدین محمد نوار, همان, ص 28.
- Toulouse.
70. 71. جورجی ینی, تاریخ سوریا (بیروت, بی نا, 1881م) ص 437.
72. ابن اثیر جزری, همان, ص 422.
- 73: Turbessel قلعه ای که تابع شهر رها (ادسا) بود و الان تابع منطقه جبل سمعان در استان حلب سوریه است.
74. ویلیام صوری, همان, ص 540.
75. همان; البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف), ص 116; ابن قلانسی, همان, ص 269; تقی الدین احمد بن علی مقریزی, همان, ص 45; جورجی ینی, همان, ص 438 و صلاح الدین محمد نوار, همان, ص 288.284.
76. تقی الدین احمد بن علی مقریزی, همان, ص 43 و ابن قلانسی, همان, ص 260.
77. تاریخ الدول و الملوك, ج 1, ورق 37ب; نقل از: صلاح الدین نوار, همان, ص 290.
78. نام او Orde lafo Valeri بود.
79. ابن قلانسی, همان, ص 247; ابن اثیر جزری, همان, ص 505; ویلیام صوری, همان, ص 543_540 و البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجمول المؤلف), 117.
- Ascalon.
- Tyre 80.
81. 82. فوجه چارتر, همان, ص 236_237.
83. Anna Comena دختر امپراتور بیزانس.
- The Alexiad, P. 365.
84. 85. ویلیام صوری, همان, ج 2, ص 617.
86. همان, ص 614.
87. همان, ص 612.
- 88: Toron دژ تنبین (تورون) در نزدیکی صور واقع و یکی از پایگاه های مهم نظامی صلیبی ها در سال های بعد بوده است.
89. ابن میسر, همان, ص 42 و ابن قلانسی, همان, ص 255.
90. ابن قلانسی, همان, ص 263.
91. او عموی مأمون بطانحی بود که پس از افضل به مقام وزارت رسید; البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف), ص 119.
92. ابن قلانسی, همان, ص 289.
93. البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف), همان; ابن قلانسی, همان, ص 336_338 و فوجه چارتر, همان, ص 216.
- Spona Syrie.
- Duggan (A), The Story of the Crusades, London, 1963, P. 34 94.
95. 96. خطط مقریزی, ج 2, ص 44.
97. تقی الدین احمد بن علی مقریزی, همان, ص 50.
98. ابن قلانسی, همان, ص 275.
99. همان, ص 275_276 و ابن اثیر جزری, همان, ص 504.
100. افضل با تدبیر و کیاست خود اهالی عسقلان را علیه شمس الخلفه شوراند و با این کار زمینه قتل او را فراهم و جانشین او را تعیین کرد; ابن قلانسی, همان; ابن اثیر جزری, همان, تقی الدین احمد بن علی مقریزی همان, ص 51_50.
101. صلاح الدین محمد نوار, همان, ص 328_329.
- (Mont Royal (Montreal).
102. 103. صلاح الدین محمد نوار, همان, ص 332.

104. ویلیام صوری، همان، ص 813 ابوبکر عبدالله بن ابیک (ابن ابیک دواداری)، کنزالدرر و جامع الغرر (قاهره، المعهد الالمانی للآثار، 1961م) ج 6، ص 562 و البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المالك) ص 130.
105. فرهاد دفتری، تاریخ و عقاید اسماعیلیه، ترجمه فریدون بدره ای (تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، 1375ش) ص 309.
106. تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 215.
107. همان، ص 234 و عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، تحقیق محمد حلمی محمد محمد (قاهره، لجنه التألیف و الترجمه و النشر، 1956م) ج 1، ص 303.
108. طلایع بن زریک، دیوان، گردآوری الامینی (نجف اشرف، المكتبه الاهلیه، 1383هـ) ص 140-63.
109. ر.ک: عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، و ابن منیر طرابلسی، دیوان، به اهتمام عمر عبدالسلام تدمری (بیروت، دارالجیل، 1986م) ص 96، 191، 199 و....
110. معین الدین ازبن عبدالله از غلامان طغتکین موسس سلسله بوریان بود که در سال های 497-549 در دمشق حکومت کردند.
111. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 190.
112. او در سال 492 هجری در موصل به دنیا آمد. شرح حال مختصر او در کتاب مهاجران آل ابوطالب (ص 585) آمده است.
113. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ج 2، ص 105.
114. همان، ج 1، ص 303 و تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 234.
115. تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 230.
116. همان، ص 236.
117. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص 346.
118. همان.
119. وفاجونی، همان، ص 277.
120. تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 262 و ویلیام صوری، همان، ص 885.
121. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص 338 و 346.
122. او عموی صلاح الدین ایوبی است.
123. البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، ص 134 ابن اثیر جزری، همان، ج 7، ص 172-173؛ ذهبی، دول الاسلام، ص 291-292 و عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 6.
124. ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص 345.
125. یوسف حسن درویش غوانمه، اماره الکرک الایوبیه (عمان، دارالفکر، 1402هـ) ص 86.
126. محمد سهیل طقوش، تاریخ الزنکیین فی بلاد الشام و اقلیم الجزیره (بیروت، دارالنفائس، 1988، 1999م) ص 330؛ نقل از ویلیام صوری.
127. جمال الدین محمدبن سالم (ابن واصل)، مفرج الکرוב فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین الشیال (قاهره، جامعه فواد الاول، داراحیاء التراث القدیم، 1953، 1957م)، ج 1، ص 139.
128. بلیس: مدینه بینا و بین فسطاط مصر عشره فراسخ علی طریق الشام؛ یاقوت بن عبدالله حموی، همان، ج 1، ص 479.
129. جمال الدین محمدبن سالم (ابن واصل، همان، ص 140؛ خطط مقریزی، همان، ص 47-50؛ البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، ص 135؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ج 1، ص 331-337؛ عمادالدین اسماعیل بن علی بن محمود (ابوالفدا)، همان، ج 3، ص 43؛ ابن ابیک دواداری، همان، ج 7، ص 27؛ تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 264.
- 278 و ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص 238.
130. استیون رانسیمان، همان، ص 429.
131. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 363 و ابن واصل، همان، ص 148.
132. ویلیام صوری، همان، ص 895 و رنه گروسه، همان، ص 198.
133. ویلیام صوری، همان، ص 896.
134. همان، ص 899.
135. همان، ص 899-902.
136. همان، ص 906-920؛ ابن اثیر جزری، التاریخ الباهر فی الدوله الاتاکیه، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات (قاهره، دارالکتب الحدیث، بی تا) ص 134؛ تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 287-289؛ النوادر السلطانیه، ص 208؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 364-366 و 428 و فتح بن علی بنداری، سنالبرق الشامی، تحقیق فتیحه نبرای (مصر، کتبه الخانجی، 1979م) ج 1، ص 64.
137. استیون رانسیمان، همان، ص 434-436.
138. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج 7، ص 190.
139. ویلیام صوری، همان، ص 919-920.
140. عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 428.
141. ابن اثیر جزری، التاریخ الباهر فی الدوله الاتاکیه، ص 134؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 366؛ ابن واصل، همان، ص 152؛ تقی الدین احمدبن علی مقریزی، همان، ص 278 و ابوالمحاسن یوسف بن تغری بردی، همان، ص 350.
142. امانوئل کومنت.
143. ویلیام صوری، همان، ص 923؛ استیون رانسیمان، همان، ص 442 و رنه گروسه، همان، ص 202.
144. ویلیام صوری، همان، ص 926-927.
145. همان، ص 927.
146. الجامع البستان لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، ص 138؛ ابن سیاط مغربی، صدق الاخیار (تاریخ ابن سیاط)، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری (طرابلس، گروس پرس، 1413هـ) ج 1، ص 120؛ رنه گروسه، همان، ص 404-405 و هانس ابرهارد مایر، جنگ های صلیبی، ترجمه عبدالحسن شاهکار (شیراز، انتشارات دانشگاه شیراز، 1371ش) ص 147.

147. استیون رانسیمان، همان، ص 443.
148. ابن ایبک دواداری، همان، ج 7، ص 30؛ وی تأکید می کند که بر این عبارت چیزی نیفزوده و آن چه را نقل کرده عیناً از نامه خلیفه است.
149. ابن واصل، همان، ص 160.
150. همان و النوادر السلطانیة، ص 209.
151. استیون رانسیمان، همان، ص 445.
152. فتح بن علی بنداری، همان، ص 78؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 436 و ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج 7، ص 199.
153. رانسیمان در مورد شیرکوه می نویسد: ((نام این مرد در تاریخ تحت الشعاع آوازه خدانویش نورالدین و برادرزاده اش صلاح الدین قرار گرفته است؛ و حال آن که در جمع تمام رهبران عالم اسلام فقط او بود که به فراست دریافت که به قصد بازپس گرفتن فلسطین، نخستین قدم را باید در کار تسخیر مصر برداشت، که موقعیت نظامی کم نظیر و منابع فراوان داشت و به رغم تردیدهای نورالدین خود هرگز از پا ننشست تا بدین آرزو تحقق بخشید. ثمره تلاش های پی گیر او را برادرزاده اش صلاح الدین چید))؛ همان، ص 446.
154. البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، ص 138؛ فتح بن علی بنداری، همان، ص 79-81؛ ابن واصل، همان، ص 162 و تقی الدین احمد بن لی مقریزی، همان، ص 308.
- Kontos tephanos.
155. یکی از بنادر مصر در مصب رودخانه نیل.
157. البستان الجامع لجميع تواریخ اهل الزمان (مجهول المؤلف)، همان؛ ابن سیاط مغربی، همان، ص 126؛ ذهبی، همان، ص 294؛ 295؛ النوادر السلطانیة، ص 33؛ فتح بن علی بنداری، همان، ص 87؛ عبدالرحمن بن اسماعیل ابوشامه، همان، ص 456-457؛ ابن واصل، همان، ص 179-183؛ ابن اثیر جزری، التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه، ص 143-144 و ویلیام صوری، همان، ص 942-941.
158. ابن اثیر جزری، الكامل فی التاریخ، ج 7، ص 207 و التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه، ص 144. یعنی شترمرغ پی شاخ می گشت، گوش های خود را هم از دست داد.

منابع:

- تاریخ الفرنجه غزاه بیت المقدس، ترجمه حسین محمد عطیه (اسکندریه، دارالمعرفه الجامعیه، 1990م).
- ابن ابی الهیجا، عزالدین محمد بن ابی الهیجا، ابن ابی الهیجا، تحقیق صحبى عبدالمنعم محمد، ریاض الصالحین، 1413ه' .
- ابن اثیر جزری، محمد بن محمد بن عبدالکریم شیانی، التاریخ الباهر فی الدوله الاتابکیه، تحقیق عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره دارالکتب الحدیث، [بی تا].
- الكامل فی التاریخ، تحقیق علی شیری، بیروت، داراحیا التراث العربی، 1408ه' .
- ابن ایاس حنفی، محمد بن احمد، بدائع الزهور فی وقایع الدهور، تحقیق محمد مصطفی، قاهره هیئته المصریه العامه لکتاب، 1402ه' جلد اول.
- ابن ایبک الدواداری، ابوبکر عبدالله بن ایبک، کنز الدرر و جامع الفرر، جزء ششم به نام ((الدره المضمینه فی اخبار الدوله الفاطمیه)) تحقیق صلاح الدین المنجد، جزء هفتم ((الدر المطلوب فی اخبار ملوک بنی ایوب)) تحقیق سعید عبدالفتاح عاشور، جزء هشتم ((الدره الزکیه فی اخبار الدوله التركیه)) تحقیق و. هاریمان، قاهره، المعهد الالمانی للآثار، 1971، 1961، 1972م.
- ابن تغری بردی، ابوالمحاسن یوسف، النجوم الزاهره فی ملوک مصر و القاهره، قاهره، دارالکتب المصریه، 1375ه' .
- ابن جوزی، ابوالفرج بن علی بن محمدالمقرشی (597ه' / 1201م)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، 10.5، حیدرآبادهند، دائره المعارف العثمانیه، 1375-1359ه' (1940م).
- ابن خلدون، عبدالرحمن بن محمد.
- تاریخ ابن خلدون، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1363-1371ش.
- ابن سیاط مغربی، صدق الاخبار (تاریخ ابن سیاط)، تحقیق عمر عبدالسلام تدمری، طرابلس (لبنان)، گروس پرس، 1413ه' .
- ابن الطویر، ابومحمد المرتضی عبدالسلام بن الحسن الفهری قیسرانی، نزهه المقلتین فی اخبار الدولتین، تحقیق ایمن فواد سید، اشتوتگارت، النشرات الاسلامیه، 1992م.
- ابن قاضی شهبه، بدرالدین ابوالفضل محمد بن ابی ابکر بن احمد اسدی دمشقی الشافعی، الکواکب الدریه فی السیره النریه، تحقیق محمود زاید، بیروت درالکتاب جدید، 1971م.
- ابن فلانسی، حمزه بن اسد بن علی تمیمی، ذیل تاریخ دمشق، تحقیق سهیل زکار، دمشق، دار حسان، 1403ه'.
- ابن کثیر دمشقی، البدايه و النهايه، تحقیق شیری، بیروت، داراحیا التراث العربی، 1408ه' .
- ابن میمون بطائحی، جمال الدین ابوعلی موسی، اخبار مصر، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، المعهد الفرنسی للآثار، 1983م.
- ابن منقذ، اسامه الاعتبار، تحقیق فیلیپ حتی، [بی جا]: الدارالمتحدہ للنشر، 1981م.
- ابن منیر طرابلسی، دیوان، به اهتمام عمر عبدالسلام تدمری، بیروت، دارالجلیل، 1986م.
- ابن میسر، تاج الدین محمد بن علی بن یوسف، اخبار مصر، تحقیق ایمن فواد سید، قاهره، المعهد العلمی الفرنسی للآثار الشرقیه، 1981م.
- ابن واصل، جمال الدین محمد بن سلام، مفرج الکروب فی اخبار بنی ایوب، تحقیق جمال الدین الشیال، قاهره، جامعه فواد الاول، دار احیا التراث القدیم، 1953، 1957م.
- ابوشامه، عبدالرحمان بن اسماعیل، الروضتین فی اخبار الدولتین النوریه و الصلاحیه، تحقیق محمد حلمی محمد محمد، قاهره، لجنة التألیف و الترجمة و النشر، 1956م.
- ابوالفدا، عمادالدین اسماعیل بن علی بن محمود، المختصر فی اخبار البشر، تحقیق محمود ایوب، بیروت دارالکتب العلمیه، 1997م.

- إومان، شارل الامبراطوريه البيزنطيه، ترجمه مصطفى طه بدر، قاهره، 1953، 1960م.
- ايمن فواد، سيد، الدوله الفاطميه فى مصر، قاهره: [بى نا]، 1992.
- بندارى، فتح بن على، سنا البرق الشامى، تحقيق دكتور فتحه نبروى، مصر، مكتبه الخانجى، 1979م.
- پرواز، ژوزه، عالم الصليبين، ترجمه قاسم و محمدحسن خليفه، مصر، دارالمعارف، 1981م.
- تدمرى، عمرعبدالسلام، تاريخ طرابلس السياسى و الحضارى عبرالعصور، بيروت، موسسه الرساله، 1404هـ (1981، 1978م).
- جونى، وفا، دمشق و المملكه اللاتينيه فى القدس، بيروت دارالفكر للطباعه و النشر و التوزيع، 1997م.
- چارتر، فوجه، تاريخ الحمله الى القدس، ترجمه زياد العسلى، عمان دارالشروق للنشر و التوزيع، 1990م.
- حموى، ياقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بيروت داراحيا التراث العربى، 1399هـ.
- حنلى، مجيرالدين، الانس بتاريخ القدس و الخليل، عمان، مكتبه المحتسب، 1973م.
- دجانى، هاديه و برهان دجانى، الصراع الاسلامى الفرنجى على فلسطين فى القرون الوسطى، بيروت موسسه الدراسات الفلسطينيه، 1994م.
- اسهام علماء العرب و المسلمين فى علم النبات، بيروت: موسسه الرساله، 1405هـ.
- اسهام علماء العرب و المسلمين فى الكيمياء، بيروت: موسسه الرساله، 1405هـ.
- اعلام الفيزيا فى الاسلام (با همكارى جلال شوقى)، بيروت، موسسه الرساله، 1404هـ.
- دفتري، فرهاد، تاريخ و عقايد اسماعيليه، ترجمه فريدون بدره اى، تهران: نشر و پژوهش فرزاد روز، 1357ش.
- رانسيما، استيون تاريخ جنگ هاى صليبي، ترجمه منوچهر كاشف، تهران، شركت انتشارات علمى و فرهنگى 1371ش، چاپ سوم.
- زرکلى، خيرالدين الاعلام، بيروت، دارالعلم للملايين، 1984م (چاپ ششم).
- زكار، سهيل الحروب الصليبيه، دمشق، دار حسان، 1984م.
- مدخل الى تاريخ الحروب الصليبيه، بيروت، 1973م.
- صالح بن يحيى، تاريخ بيروت، تحقيق فرانسيس هورس و كمال صليبي، بيروت دارالمشرق.
- صورى، ويليام، تاريخ الحروب الصليبيه، ترجمه سهيل زكار، دمشق: دارالفكر، 1994م.
- طقوش، محمدسهيل تاريخ الزنكيين فى بلاد الشام و اقليم الجزيره، بيروت، دارالنفائس، 1988، 1999م.
- طلائع بن زريك، ديوان، گردآورى الامينى، بغداد، [بى نا]، 1964م.
- عارف، عارف المفصل فى تاريخ القدس، قدس، 1961م.
- عاشور، فايد حمادمحمد، جهاد المسلمين فى الحروب الصليبيه، بيروت، موسسه الرساله، 1405هـ.
- اين كتاب با نام جهاد مسلمانان در جنگ هاى صليبي توسط عباس عرب به فارسى برگردان و چاپ شده است (تهران، دفتر فرهنگ اسلامى، 1373ش).
- غوانمه، يوسف حسن درويش اماره الكرك الايوبيه، عمان دارالفكر، 1402هـ.
- دراسات فى تاريخ الاردن و فلسطين فى العصر الاسلامى، عمان، دارالفكر، 1983م.
- قاسم، قاسم عبده ماهيه الحروب الصليبيه. - كويت: المجلس الوطنى للثقافه و الفنون و الاداب، 1410هـ.
- گروه، رنه، تاريخ جنگ هاى صليبي، ترجمه ولى الله شادان، تهران، نشر و پژوهش فرزاد روز، 1377ش.
- ماير، هانس ابرهارد جنگ هاى صليبي، ترجمه عبالحسين شاهكار، شيراز، انتشارات دانشگاه شيراز، 1371ش.
- مجهول المؤلف اعمال الفرنجه و حجاج بيت المقدس، ترجمه حسن حبشى، قاهره، 1958م.
- مجهول المؤلف (حدود قرن 6هـ / 12م) البستان الجامع لجمع تواريخ اهل الزمان، به اهتمام كلود كاهن، مجله الدراسات الشرقيه orientats(Bulletin d'etudes)، ج 8، 7، پاریس 1938م.
- مقريزى، تقى الدين احمدبن على اتعاط الحنفى باخبار الاتمه الفاطميين الخلفاء، تحقيق جمال الدين الشيبان و محمد حلمى احمد، قاهره: المجلس الاعلى على للشؤون الاسلاميه، 1967م.
- السلوك لمعرفة دول الملوك، تحقيق محمد مصطفى زياده. - قاهره: دارالكتب المصريه، 1934-1942م.
- المواظ و الاعتبار بذكر الخطط و الآثار مشهور به خطط، بيروت دارصادر، [بى تا].
- ناصرى طاهرى، عبدالله تاريخ جنگ هاى صليبي، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، 1369.
- ناصرى طاهرى، عبدالله علل و آثار جنگ هاى صليبي، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامى، 1373ش.
- نوار، صلاح الدين محمد، العدوان الصليبي على العالم الاسلامى (490-515هـ / 1097-1121م)، اسكندريه: دارالدعوه، [بى تا].
- ينى، جورجى تاريخ سوريا، بيروت، 1881م.
- يوسف، ژوزف نسيم العدوان الصليبي على بلاد الشام، هزيمه لويس التاسع فى الاراضى المقدسه، اسكندريه، 1971م.
- يوسف، ژوزف نسيم العرب و الروم و اللاتين فى الحروب الصليبيه الاولى، بيروت، دارالنهضة العربيه، 1981م.

منابع لاتين:

paris, 1957

- Duggan, A, The story of the crusades, London, 1963

- Crusades: Pennsylvania, 1952-1958

- Michaud, JF History des Croisades, setton, K.M. A History of the -

